

Social Innovation Model Based On Knowledge Management In The Iranian Education System

¹ Taher Eydipour Mohammadzamani, ^{2*} Mozhgan Amirianzadeh, ³ Ahmad Reza Ojinezhad, ⁴ Nader Shahamat

1 -PhD. Student, Department of Educational Management, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

2- *Assistant Professor, Department of Educational Management, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

Corresponding Author: Email: Mamirianzadeh15@gmail.com

3-Assistant Professor, Department of Educational Management, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

4 -Assistant Professor, Department of Educational Management, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Social innovation, knowledge management, education.

1 .
Corresponding author



Background and Objectives: In recent years, social innovation has been recognized as an effective approach to enhancing sustainable development and improving the quality of educational systems. Considering the fundamental role of education in developing human capital, applying social innovation models based on knowledge management can improve teaching and learning processes. This study aimed to design a social innovation model based on knowledge management in Iran's education system. **Methods:** This research employed a qualitative exploratory approach. The study population consisted of 15 experts in education and innovation, selected through purposive sampling. **Findings:** Qualitative analysis led to the identification of a final model consisting of 15 components across six dimensions: Knowledge Management (knowledge creation, storage, sharing, and application); Socially Innovative Education (organizational culture, educational creativity, executive management); Information Technology (educational technology); Educational Excellence (strategy and goal-setting, educational content, organizational communication); Support and Resources (human and financial resource management); and Educational Challenges (student-related and social challenges). **Conclusion:** The study indicates that applying a social innovation model based on knowledge management can enhance educational quality, promote learning, and strengthen stakeholder engagement. Establishing appropriate knowledge management infrastructure and fostering an innovative culture can also facilitate fundamental transformation and sustainable development in the national education system.

Citation: Amirianzadeh Mozghan (2026): Social Innovation Model Based On Knowledge Management In The Iranian Education System. *The Journal of Research Social Studies Education* 8(1), 33-60.  <https://doi.org/10.48310/rsse.2026.20990.1316>



مدل نوآوری اجتماعی بر مبنای مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش

ایران

طاهر عیدی پور محمدزمانی^۱، مژگان امیریانزاده^{۲*}،

احمدرضا اوجی نژاد^۳، نادر شهامت^۴

۱- دانشجوی دکترا، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران.

۲- * استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران.

۳- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران.

۴- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: نوآوری اجتماعی در سال‌های اخیر به‌عنوان رویکردی مؤثر در ارتقای توسعه پایدار و کیفیت نظام‌های آموزشی مطرح شده است. با توجه به نقش بنیادین آموزش و پرورش در تربیت سرمایه انسانی، به‌کارگیری مدل‌های نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش می‌تواند به بهبود فرآیندهای یاددهی-یادگیری کمک کند. این پژوهش با هدف طراحی مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در آموزش و پرورش ایران، انجام شده است. **روش‌ها:** این پژوهش با رویکرد کیفی و ماهیت اکتشافی انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۱۵ نفر از خبرگان حوزه آموزش و نوآوری بود که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti تحلیل گردید. در فرایند تحلیل، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج شد و روایی و پایایی نتایج از طریق بازبینی خبرگان تأیید شد. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل کیفی به شناسایی الگوی نهایی متشکل از ۱۵ مؤلفه در قالب ۶ بعد منجر شد: مدیریت دانش (تولید، ذخیره، اشتراک‌گذاری و به‌کارگیری دانش)، آموزش نوآوران اجتماعی (فرهنگ سازمانی، خلاقیت آموزشی، مدیریت اجرایی)، فناوری اطلاعات (فناوری آموزشی)، تعالی آموزشی (استراتژی و هدف‌گذاری، محتوای آموزشی، ارتباطات سازمانی)، پشتیبانی و منابع (مدیریت منابع انسانی و مالی)، و چالش‌های آموزشی (چالش‌های دانش‌آموزان و چالش‌های اجتماعی). **نتیجه‌گیری:** پژوهش نشان می‌دهد که به‌کارگیری مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش می‌تواند به بهبود کیفیت فرآیندهای آموزشی، ارتقای یادگیری و تقویت مشارکت ذینفعان در آموزش و پرورش منجر شود. ایجاد زیرساخت‌های مناسب مدیریت دانش و تقویت فرهنگ نوآوری نیز زمینه‌ساز تحول بنیادین و توسعه پایدار در نظام آموزشی کشور خواهد بود.

DOI:10.48
310/rsse.2
026.20990.
1316

واژه‌های

کلیدی:

نوآوری

اجتماعی،

مدیریت دانش،

آموزش و

پرورش

۱. نویسنده

مسئول



m.amirianza
deh@miau.a
c.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

شماره صفحات: ۳۰

مقدمه

با ورود فناوری‌های نوین و تغییرات اجتماعی، نظام‌های آموزشی با چالش‌های متعددی مواجه شده‌اند؛ از جمله عدم تطابق روش‌های سنتی با نیازهای نوظهور، شکاف دیجیتالی و نیاز به توانمندسازی معلمان برای بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته (Karimi & Rahmati, 2022: 133). در ایران نیز تحولات سریع و پیچیدگی‌های روزافزون نظام آموزش و پرورش، ضرورت طراحی مدل‌های نوآورانه مبتنی بر مدیریت دانش را برای ارتقاء کارایی، کیفیت و توانمندی‌های این نظام آموزشی بیش از پیش آشکار کرده است. آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی، مسئول تربیت سرمایه انسانی در تمامی ساحت‌های آموزشی و پرورشی است (Zarean, 2024: 19).

مدیریت دانش به عنوان رویکردی استراتژیک و محوری، امکان بهره‌برداری بهینه از دانش، تجربیات و اطلاعات فردی و سازمانی را فراهم می‌کند و نقش کلیدی در تسهیل نوآوری اجتماعی دارد. نوآوری اجتماعی در محیط آموزشی، با ایجاد تغییرات مثبت در ساختارها، فرآیندها و فرهنگ سازمانی، افراد را ترغیب می‌کند تا به صورت خلاقانه و مشارکتی مسائل پیچیده آموزشی را حل کنند (Zainal et al., 2023; Schröer, 2021: 63). یکی از پایه‌های اصلی مدیریت دانش در سازمان‌ها و به‌ویژه مدارس، نظریه خلق دانش نوناکا و تاکه‌اوچی (SECI) است (Nonaka & Takeuchi, 1995). بر اساس این نظریه، دانش در سازمان از طریق تعامل مستمر میان دانش صریح و دانش ضمنی ایجاد می‌شود و چهار فرآیند اساسی دارد: اجتماعی‌سازی (Socialization) انتقال دانش ضمنی بین افراد از طریق تعامل و تجربه مشترک.

برونی‌سازی (Externalization) تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح قابل اشتراک. ترکیب (Combination): تلفیق دانش‌های صریح موجود و ایجاد دانش جدید. درونی‌سازی (Internalization): تبدیل دانش صریح به دانش ضمنی از طریق کاربرد عملی و تجربه. این فرآیندهای SECI، امکان خلق دانش مستمر و افزایش ظرفیت نوآوری را در محیط‌های آموزشی فراهم می‌کنند و پایه علمی مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در مدارس ابتدایی محسوب می‌شوند (Nonaka, 1990; Nonaka & Takeuchi, 1995). علاوه بر این، نظریه چسب دانش (Knowledge Glue) که بر اهمیت تسهیل انتقال دانش در سازمان و کاهش مقاومت‌ها و موانع اشتراک دانش تأکید دارد (Szulanski, 1996). این نظریه نشان می‌دهد که

جریان مؤثر دانش تنها از طریق شبکه‌های اجتماعی، اعتماد، تعامل و فرهنگ مشارکت میان اعضا امکان‌پذیر است. در مدارس، چسب دانش به عنوان عامل تسهیل‌گر، امکان اشتراک و کاربرد دانش بین مدیران، معاونین و معلمان را فراهم می‌کند و زمینه خلق نوآوری‌های اجتماعی را تقویت می‌نماید.

در مدل نوآوری اجتماعی پیشنهادی پژوهش حاضر، چرخه SECI و مفهوم چسب دانش به‌صورت همزمان به‌کار گرفته شده‌اند تا دانش جدید از طریق تعامل میان اعضای مدرسه خلق شود، اشتراک و جریان دانش بین مدیران، معلمان و معاونین تسهیل گردد، و دانش برای حل مسائل آموزشی و ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری به کار گرفته شود. این رویکرد علمی نشان می‌دهد که نوآوری اجتماعی در مدارس مبتنی بر مدیریت دانش، نه تنها یک فرآیند خلاقانه، بلکه یک چرخه نظام‌مند و مشارکت‌محور است که نتایج عملی آن شامل ارتقای کیفیت آموزش، توسعه فرهنگ نوآوری و افزایش مشارکت ذی‌نفعان می‌باشد (Dalkir, 2005; Ferrigno et al., 2023). مدیران مدارس ابتدایی، با بهره‌گیری از این رویکرد، قادر خواهند بود منابع دانش را شناسایی، ذخیره و به اشتراک بگذارند و از آن در تصمیم‌گیری‌ها و بهبود عملکرد مدرسه بهره‌مندی کنند (Elia, 2023; Koivisto, 2023). این اقدامات، علاوه بر افزایش کیفیت آموزش و یادگیری، ارتقاء همکاری میان اعضای مدرسه و ایجاد محیط آموزشی نوآورانه، به تحقق اهداف آموزشی و توسعه پایدار کمک می‌کند (Taupik et al., 2023). نظام آموزش و پرورش با هدف تربیت شهروندانی خلاق و توانمند، نیازمند هماهنگی و مشارکت فعال مدیران، معاونین و معلمان است (Nkambule, 2023; Aydın, 2023). نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش، با ایجاد تغییرات مثبت در ساختار، روابط انسانی و فرهنگ سازمانی، امکان هم‌افزایی میان‌حوزه‌ای، مشارکت ذی‌نفعان و ارزیابی مستمر اثرات اجتماعی را فراهم می‌آورد (Veluz et al., 2023; Partanen et al., 2024). هدف نهایی از پژوهش حاضر پرداختن به همین موضوع است.

بیان مسأله

نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش، به‌عنوان یک رویکرد مشارکت‌محور، می‌تواند نقش مهمی در بهبود فرآیندهای آموزشی ایفا کند. با این حال، در بسیاری از مدارس ابتدایی ایران، به‌ویژه در استان فارس، استفاده مؤثر از این رویکرد محدود است و این محدودیت می‌تواند پیامدهایی چون کاهش توانمندی‌های نوآورانه در محیط آموزشی، افت کیفیت آموزش، و عدم توانایی در پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده اجتماعی را به همراه داشته باشد (Tuamsuk, 2024: 17).

در حالی که پژوهش‌های بسیاری در زمینه نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش در سازمان‌ها و موسسات آموزشی انجام شده‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها در سطح مدارس ابتدایی ایران و به‌ویژه در استان‌هایی مانند فارس که با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی مواجه هستند، صورت نگرفته‌اند. علاوه بر این، بیشتر پژوهش‌ها بر جنبه‌های تئوریک مدیریت دانش متمرکز بوده‌اند و به‌ندرت مدل‌های عملی و بومی‌شده‌ای برای پیاده‌سازی این رویکرد در محیط‌های آموزشی طراحی شده است. عدم بهره‌گیری مؤثر از نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش در مدارس ابتدایی، می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش توانمندی نوآورانه، افت کیفیت آموزش و از دست رفتن فرصت‌های توسعه‌ای را به دنبال داشته باشد (Tuamsuk, 2024).

استان فارس با تنوع فرهنگی و گستره وسیع مدارس ابتدایی، نمونه‌ای مناسب برای بررسی این موضوع است؛ چرا که گزارش‌های آموزشی نشان می‌دهند مدارس این استان با چالش‌هایی در زمینه نوآوری و مدیریت دانش مواجه‌اند و پژوهش در این زمینه می‌تواند تصویری واقعی و تعمیم‌پذیر ارائه کند. به‌طور خاص، در پژوهش‌های موجود، هم‌افزایی میان نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش در نظام‌های آموزشی ایران به‌طور کامل بررسی نشده است. این کمبود تحقیقاتی، نیاز به یک مدل عملی برای پیاده‌سازی این رویکرد در مدارس ابتدایی ایران را به وضوح نشان می‌دهد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف طراحی مدلی جامع برای نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش، ضمن پر کردن خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین، نقش مدیران، معاونین و معلمان را در تحقق نوآوری اجتماعی شفاف کرده و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت آموزشی و توسعه پایدار در مدارس ابتدایی استان فارس می‌شود.

پیشینه و چارچوب نظری

نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش به‌عنوان دو مقوله کلیدی در بهبود کیفیت نظام‌های آموزشی و توسعه پایدار، مورد توجه پژوهش‌های متعددی قرار گرفته‌اند. بررسی دقیق پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات موجود به‌صورت مستقل و پراکنده به هر یک از این حوزه‌ها پرداخته‌اند و تلفیق ساختاری بین آن‌ها در محیط مدارس ابتدایی ایران به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، بیشتر مدل‌ها و الگوهای ارائه‌شده، در بستر فرهنگی و مدیریتی کشورهای دیگر توسعه یافته و از بومی‌سازی کافی برخوردار نیستند. هم‌چنین، فقدان رویکردهای ترکیبی کیفی-کمی و مشارکت ذینفعان، نیازها و ظرفیت‌های محلی مدارس را نادیده گرفته است. در ادامه به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود:

جدول ۱. مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	نقاط قوت	محدودیت‌ها
1	Barbieri et al (2025)	مدیریت دارایی، نوآوری اجتماعی و طراحی تفکری در محیط‌های آموزشی	تلفیق نوآوری اجتماعی و بررسی عملی مشارکت طراحی تفکری در دانش‌آموزان و معلمان چارچوب محیط پایدار محدود است.	
2	Glasserman et al. (2025)	پروفایل نوآوری اجتماعی در دانشجویان: مدل‌سازی معادلات ساختاری	شناسایی مهارت‌های کلیدی و ارتباط آن‌ها با نوآوری اجتماعی نیست.	مدل ارائه شده برای محیط آموزش ابتدایی مناسب نیست.
3	Ferrigno (2023)	اثر استفاده از مدل‌های مدیریت دانش در مدارس ابتدایی	بهبود ارتباطات داخلی و اشتراک دانش در تیم مدیریتی	ابعاد اجتماعی و مشارکتی نوآوری اجتماعی پوشش داده نشده.
4	Maynard et al., (2023)	آموزش نوآوری اجتماعی نوجوانان: یک مرور نظام‌مند	بررسی روش‌ها و نتایج تأثیرگذار در توسعه مهارت‌های مشارکتی و مسئولیت اجتماعی	مرور نظام‌مند ۱۷ برنامه نوآوری اجتماعی آموزشی، بیشتر بر نوجوانان و روش‌های آموزشی متمرکز است؛ تمرکز مستقیم بر مدارس ابتدایی کمتر است
۵	احمدی بابادی و همکاران (۱۴۰۲).	ارائه مدل اجرای اشتراک‌گذاری دانش در سازمان‌های آموزشی	شامل مؤلفه‌های انگیزش، ساختار سازمانی، منابع دانشی و فرهنگ اشتراک‌گذاری	مطالعه محدود به مدارس اهواز، تعمیم محدود.
۶	دهشیری پاریزی و همکاران (۱۴۰۴).	طراحی و اعتباربخشی الگوی نوآوری و کارآفرینی در مدیریت مدارس متوسطه	تمرکز بر مدارس متوسطه، مدل جامع شامل پنج بعد مدارس ابتدایی پوشش داده نشده.	

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	نقاط قوت	محدودیت‌ها
۷	قاسمی و همکاران (۱۴۰۴).	سنتز پژوهی و مدل‌سازی کیفی پیش‌آمدهای شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان	ارائه مدل کیفی مناسب و شواهد تجربی	مدل بیشتر به شایستگی اجتماعی توجه دارد و نوآوری اجتماعی در مدارس ابتدایی کمتر پوشش داده شده.
۸	Pouriankhoob (2024)	نوآوری در آموزش و پرورش و تأثیر عمیق آن بر توسعه اجتماعی	تأکید بر اهمیت نوآوری در آموزش و ارتقای کیفیت یادگیری	مدل کاربردی و بومی برای مدارس ابتدایی ارائه نشده.

مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مطالعات پیشین در زمینه نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش، بیشتر بر مدارس متوسطه و محیط‌های دانشگاهی متمرکز بوده و ماهیت توصیفی یا نظری داشته‌اند. کاربرد عملی این پژوهش‌ها در مدارس ابتدایی محدود است و مشارکت فعال دانش‌آموزان، معلمان و مدیران به شکل نظام‌مند مورد توجه قرار نگرفته است. در مطالعات داخلی نیز، هرچند شواهد تجربی ارزشمندی ارائه شده است، هنوز مدلی جامع که ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی مدارس ابتدایی را همزمان پوشش دهد، وجود ندارد و چارچوب عملیاتی قابل اجرا برای مدارس ارائه نشده است. با توجه به این شکاف‌ها، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تحلیل مضمون، در تلاش است مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش ارائه دهد که قابلیت کاربرد عملی در مدارس ابتدایی ایران را داشته باشد و همزمان ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی را پوشش دهد. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت آموزشی و توسعه پایدار در نظام آموزش ابتدایی کشور باشد و جایگاه علمی و عملی پژوهش را تثبیت کند.

روش

این پژوهش با راهبرد ترکیبی اکتشافی متوالی از نوع ابزارسازی و در چارچوب پارادایم تفسیری انجام شد. مرحله کیفی به‌عنوان گام نخست و مبنای طراحی ابزار در نظر گرفته شد. مشارکت‌کنندگان این بخش شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان باسابقه آموزش و پرورش بودند که به‌صورت هدفمند و با توجه به آشنایی تخصصی با مدیریت دانش و نوآوری اجتماعی انتخاب شدند. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در پاییز ۱۴۰۳ گردآوری شد و مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت.

تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با بهره‌گیری از نرم‌افزار ATLAS.ti صورت گرفت. در این فرایند، ابتدا نقل‌قول‌های مرتبط استخراج و کدگذاری اولیه انجام شد. سپس کدهای مشابه در قالب مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و در نهایت مضامین فراگیر دسته‌بندی شدند. برای اطمینان از اعتبار و اعتمادپذیری داده‌ها، سه شیوه شامل موضع‌گیری پژوهشگر، بازبینی پنج نفر از مشارکت‌کنندگان و همسوسازی با ادبیات و شواهد پژوهشی به کار گرفته شد. در مرحله ابزارسازی، مضامین شناسایی‌شده مبنای تدوین پرسشنامه محقق‌ساخته قرار گرفت. پرسشنامه شامل ۶ بعد و ۱۵ مؤلفه اصلی بود که در قالب ۹۵ گویه با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم و پس از تأیید تیم پژوهش آماده اجرا شد. خروجی بخش کیفی، مدل مفهومی اولیه نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش بود که مبنای مراحل بعدی پژوهش قرار گرفت.

در تحلیل داده‌های کیفی، ابتدا تمام پاسخ‌های مصاحبه‌ها و اسناد مرتبط کدگذاری شد و کدهای مشابه یا تکراری حذف گردید. سپس کدهای باقی‌مانده به مضامین پایه دسته‌بندی شدند و با مرور ادبیات و مبنای نظری، مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج گردید. اعتبار نتایج از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان و همسوسازی با منابع نظری تأیید شد. جهت کنترل کیفیت تحلیل کیفی و اطمینان از اعتبار، قابلیت انتقال و اعتمادپذیری داده‌ها، چهار شاخص شامل ضریب هولستی (PAO)، ضریب پی-اسکات، شاخص کاپای کوهن و آلفای کرپیندروف به کار گرفته شد. میزان توافق خبرگان و اعتبار تحلیل‌ها از طریق این شاخص‌ها محاسبه گردید و نتایج آن‌ها قابل قبول و معنادار بود.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با رعایت کامل اصول اخلاق پژوهش انجام شد. مجوز لازم از دبیرخانه شورای تحقیقات و حراست اداره کل آموزش و پرورش فارس اخذ گردید. مشارکت‌کنندگان داوطلبانه و اختیاری بودند، اطلاعات آن‌ها محرمانه نگه داشته شد و به جای نام افراد از کد استفاده شد. پیش از جمع‌آوری داده‌ها، اهداف و مراحل پژوهش برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و اجازه ضبط مصاحبه‌ها کسب شد. نتایج پژوهش در صورت درخواست در اختیار آنان قرار می‌گیرد و تمامی داده‌ها و منابع با رعایت امانت علمی استفاده شد.

یافته‌ها

ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان شرکت‌کننده در پژوهش ارائه شده است تا زمینه شناخت نمونه پژوهش فراهم گردد (جدول ۲). سپس یافته‌های اصلی پژوهش در خصوص مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران بررسی و تحلیل

می‌شود. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل خبرگان آموزش و پرورش با تجربه و دانش تخصصی بالا بودند. ترکیب جنسیتی متوازن و سابقه کاری طولانی آن‌ها، همراه با مدرک تحصیلی دکتری، نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از نظر علمی و حرفه‌ای صلاحیت لازم برای تحلیل عمیق موضوع نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش را دارد.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۸ / ۵۳٪
	زن	۷ / ۴۷٪
سابقه کاری	۱۰ تا ۱۵ سال	۶ / ۴۲٪
	بالای ۱۵ سال	۹ / ۵۸٪
مدرک تحصیلی	دکتری	۱۵ / ۱۰۰٪
	کل	۱۵ / ۱۰۰٪

هم‌چنین تمامی مشارکت‌کنندگان دارای مدرک دکتری بودند که سطح بالای دانش تخصصی و توان تحلیل عمیق مفاهیم نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش را تضمین می‌کند. ویژگی‌های مذکور نشان می‌دهد که نمونه پژوهش شامل خبرگان با صلاحیت علمی، تجربه اجرایی و آشنایی کامل با موضوع پژوهش است، و بنابراین نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها می‌تواند از اعتبار و قابلیت اطمینان بالایی برخوردار باشد.

در این بخش، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی ارائه شده و بر اساس گزاره‌ها و دیدگاه‌های واقعی خبرگان شکل گرفته است. تحلیل مضمون مطابق با روش ارائه شده در محمدپور (Mohammadpour, 2021) انجام شد و شامل مراحل کدگذاری اولیه، استخراج مضامین پایه، تعیین مضامین سازمان‌دهنده و شناسایی مضامین فراگیر بود. نمونه‌ای از گزاره‌های بیان‌شده توسط خبرگان که پایه استخراج مضامین قرار گرفت، به شرح زیر است:

- اشتراک دانش بین معلمان باعث ارتقای کیفیت آموزش می‌شود. (خبرگان مدرسه ابتدایی)
- ایجاد فرهنگ نوآوری در مدرسه، انگیزه کارکنان و دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. (خبرگان آموزشی)
- مدیریت منابع انسانی و مالی مناسب، امکان اجرای نوآوری‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. (خبرگان مدیریت آموزشی)

جدول ۳. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری اولیه در تحلیل مضمون

مضمون پایه	کد اولیه	نقل قول مستقیم از مصاحبه‌شونده
اشتراک‌گذاری دانش	اشتراک تجربه‌های تدریس می‌گذارند، کیفیت آموزش خیلی بهتر می‌شود.	معلمان وقتی تجربه‌های تدریس‌شان را با هم به اشتراک
فرهنگ نوآوری	حمایت از ایده‌های نو	اگر مدرسه فضایی داشته باشد که ایده‌های جدید سرکوب نشود، معلم‌ها و دانش‌آموزان خلاق‌تر می‌شوند.
مدیریت دانش ضمنی	ثبت نشدن دانش تجربی	بخش زیادی از دانش معلمان در ذهن آن‌هاست و جایی ثبت نمی‌شود.
تشویق روحیه همکاری دانشی	یادگیری جمعی معلمان	جلسات گروهی باعث می‌شود معلمان از هم یاد بگیرند و همکاری‌شان بیشتر شود.

بر اساس تحلیل این گزاره‌ها و سایر داده‌های جمع‌آوری‌شده، ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ دسته مضمون فراگیر شناسایی شد که نمایانگر ساختار کلی مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران می‌باشند. این مضامین و دسته‌ها بر اساس ادبیات و پیشینه پژوهش در جدول زیر ارائه شده‌اند.

جدول ۴. تقسیم و مقوله‌بندی طراحی و اعتبار یابی مدل نوآوری اجتماعی بر مبنای مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
مدیریت دانش	تولید دانش	تجربه نگاری مدیران و معلمان
		توزیع پرسشنامه و مصاحبه با مدیران و معلمان
		مدیریت دانش ضمنی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
		تبدیل اطلاعات خام به دانش کاربردی
	ذخیره دانش	سیستم ذخیره دانش
		سازماندهی دانش (دسته بندی، یکپارچه سازی و خلاصه سازی دانش)
		مدیریت دانایی
		ارزیابی دانش
	اشتراک گذاری دانش	ایجاد پلتفرم های اشتراک دانش
		تشویق روحیه همکاری دانشی
		اعتماد سازی
		تسهیل اشتراک گذاری و تقسیم دانش
	بکار گیری دانش	چگونگی استفاده از دانش
		خلق ارزش دانشی
		هدایت دانش
		حل مسائل و نوآوری براساس دانش
		هم افزایی دانش
آموزش نوآورانه اجتماعی	بستر فرهنگی و ارزشی نوآوری	ایجاد سازمان یادگیرنده
		فرهنگ نوآوری
		فرهنگ یادگیری و یاددهی مداوم
	خلاقیت در فرآیند آموزشی	مسئولیت اجتماعی سازمانی
		تسهیل اجرای فرآیندهای نوآورانه
		نوآوری در برنامه های درسی
		روش های نوین تدریس
		مشارکت و همکاری مدیران و معلمان
		هم سویی فرآیندهای آموزشی با نیازهای جامعه
		تشویق به خلاقیت
		تشویق به دانش محوری
	مدیریت اجرایی	نقش مدیران و عوامل اجرایی مدارس
		تصمیم گیری دانش محور
		مدیریت مشارکتی
		تغییر تفکرات سنتی مدیران
		مدیریت آموزشی براساس الگوهای موفق
فناوری اطلاعات	فناوری آموزشی	تکنولوژی در تقویت فرآیندهای یادگیری و نوآوری
		آموزش مجازی و الکترونیکی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
تعالی آموزشی	ایجاد اپلیکیشن‌های آموزشی سخت افزارها و نرم افزارهای مورد نیاز دسترسی به سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعات	سند تحول بنیادین
		برنامه ریزی با رویکرد عدالت آموزشی
		سیاست گذاری اصلاح نظام آموزشی در جهت دانش
	استراتژی و هدف گذاری آموزشی	همگامی با استانداردهای آموزش جهانی
		دانش محور کردن مدارس ابتدایی
		مدارس ابتدایی خلاق و نوآور
		برنامه ریزی براساس آینده پژوهی
		روش های مطالعه دانش آموزان
		تمرکززدایی سازمانی
		نیازسنجی آموزشی
		سیاست گذاری راهبردی
		برنامه ریزی آموزشی
		حل مشکلات جامعه در زمینه آموزش
		کارآفرینی اجتماعی
		کاربردی سازی آموزش
		آموزش مهارت های اجتماعی
		آموزش رفتار شهروند حرفه‌ای
		آموزش مهارت‌های ده گانه زندگی به دانش آموزان ابتدایی
		آموزش حفظ محیط زیست
	محتوای آموزشی	تعامل بین مدرسه و جامعه در بهبود فرآیندهای نوآوری
		تعامل با سازمان‌ها و نهادها
		تعامل با مراکز علمی و صنعتی
		مهارت‌های ارتباطی معلمان
	ارتباطات سازمانی	انجمن اولیا و مربیان
		استفاده از رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی
		تعاملات سازنده و الهام‌بخش بین معلمان و دانش آموزان
		تبادل تجربه و دانش بین مدارس مختلف
		ایجاد شبکه دانش بین مدرسه ای
	مدیریت منابع انسانی	تربیت معلم فکور
		شایسته گزینی
پشتیبانی و منابع		

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
		ارزشگذاری دانش و تجربه مدیران و معلمان
		منزلت نیروی انسانی
		آموزش مداری در مدیریت منابع انسانی
		پژوهش محوری نیروی انسانی
		آموزش و توسعه شغلی و حرفه ای معلمان
		ارزیابی عملکرد معلمان
		توانمندسازی منابع انسانی
		ویژگی های فردی معلمان
	مدیریت منابع مالی و مادی	سرمایه گذاری در مدیریت دانش و فعالیت های نوآورانه
		بودجه بندی مناسب برای خلاقیت
		حمایت دولت و وزارت آموزش و پرورش از ایده و نوآوری
		تصویب مقررات حمایت از مدیریت دانش و نوآوری اجتماعی
		فضا و تجهیزات کمک آموزشی و اداری
چالش های آموزشی	چالش های دانش آموزان	تطابق با محیط
		مدیریت زمان و برنامه ریزی
		تعامل با دیگر کودکان و معلمان
		مسئولیت پذیری
		فشارهای تحصیلی
		مشکلات فهم و درک آموزشی
		مشکلات رفتاری و انضباطی
		مشکلات ارتباطی
	چالش های اجتماعی	شناخت ویژگی های دانش آموزان
		آسیب های اجتماعی
		ناابری های اجتماعی و اقتصادی
		نگرش های سنتی جامعه
		کمبود معلمان ماهر و آموزش دیده
		بحران های اجتماعی و روانی

تحلیل داده ها منجر به شناسایی مضامین فراگیر مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران شد. تم های اصلی بر اساس ادبیات و داده های جمع آوری شده استخراج شده اند و تصویر کلی مدل را تشکیل می دهند. برخی تم های فرعی که

به شناسایی تم‌های اصلی کمک کرده‌اند، در ادامه ارائه شده‌اند. نتایج مربوط به تم‌ها و مضامین فراگیر در جدول ۵ نمایش داده شده است.

جدول ۵. شناسایی مضمون فراگیر طراحی مدل نوآوری اجتماعی بر مبنای مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
نوآوری اجتماعی بر مبنای مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران	مدیریت دانش	تولید دانش	تجربه نگاری مدیران و معلمان
			توزیع پرسشنامه و مصاحبه با مدیران و معلمان
			مدیریت دانش ضمنی
			تبدیل اطلاعات خام به دانش کاربردی
		ذخیره دانش	سیستم ذخیره دانش
			سازماندهی دانش (دسته بندی، یکپارچه سازی و خلاصه سازی دانش)
			مدیریت دانایی
			ارزیابی دانش
		اشتراک گذاری دانش	ایجاد پلتفرم های اشتراک دانش
			تشویق روحیه همکاری دانشی
			اعتماد سازی
			تسهیل اشتراک گذاری و تقسیم دانش
		بکار گیری دانش	چگونگی استفاده از دانش
			خلق ارزش دانشی
			هدایت دانش
			حل مسائل و نوآوری براساس دانش
			هم افزایی دانش
			ایجاد سازمان یادگیرنده

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
	آموزش نوآورانه اجتماعی	فرهنگ سازمانی	حمایت از ایده‌های نو (فرهنگ نوآوری)
			فرهنگ یادگیری و یاددهی مداوم
			مسئولیت اجتماعی سازمانی
		خلاقیت در فرآیند آموزشی	تسهیل اجرای فرآیندهای نوآورانه
			نوآوری در برنامه‌های درسی
			روش‌های نوین تدریس
			مشارکت و همکاری مدیران و معلمان
			هم‌سویی فرآیندهای آموزشی با نیازهای جامعه
			تشویق به خلاقیت
			تشویق به دانش محوری
	مدیریت اجرایی		نقش مدیران و عوامل اجرایی مدارس
			تصمیم‌گیری دانش محور
			مدیریت مشارکتی
			تغییر تفکرات سنتی مدیران
			مدیریت آموزشی براساس الگوهای موفق
	فناوری اطلاعات	فناوری آموزشی	تکنولوژی در تقویت فرآیندهای یادگیری و نوآوری
			آموزش مجازی و الکترونیکی
			ایجاد اپلیکیشن‌های آموزشی
			سخت افزارها و نرم افزارهای مورد نیاز
			دسترسی به سایت‌ها و پایگاههای اطلاعات
	تعالی آموزشی	استراتژی و هدف گذاری آموزشی	سند تحول بنیادین
			برنامه ریزی با رویکرد عدالت آموزشی
			سیاست گذاری اصلاح نظام آموزشی در جهت دانش
			همگامی با استانداردهای آموزش جهانی
			دانش محور کردن مدارس ابتدایی

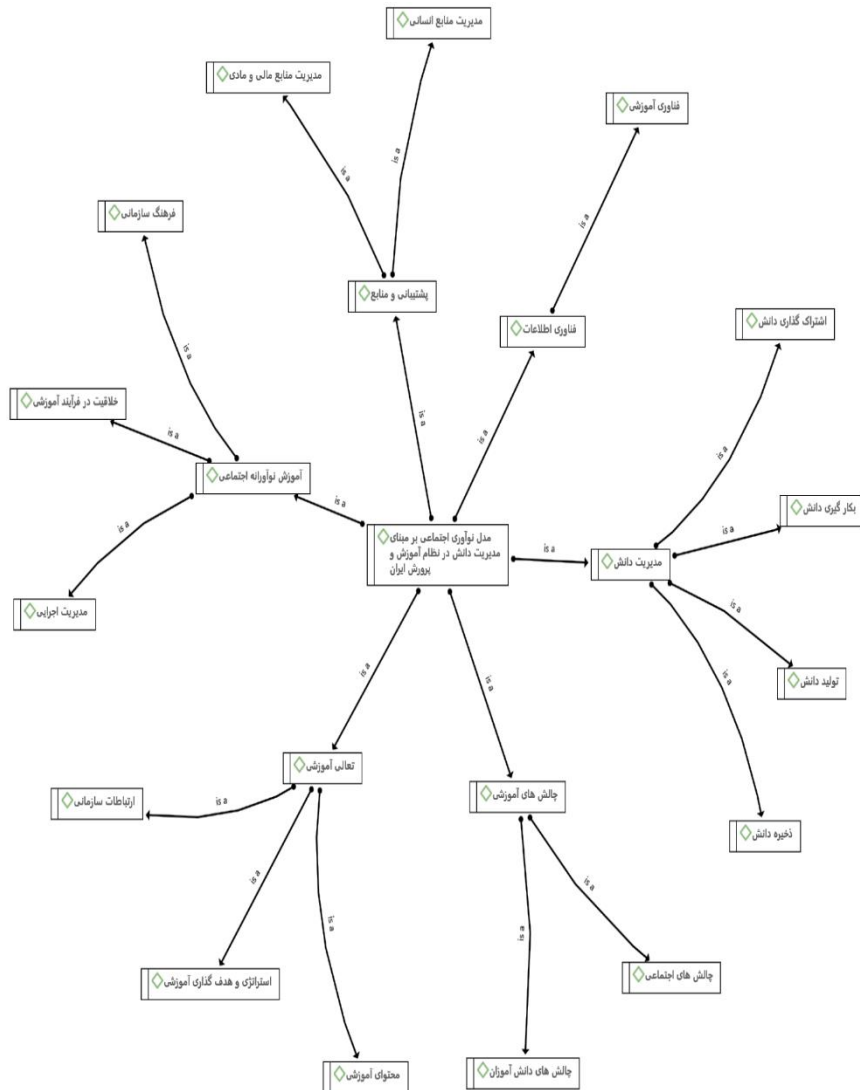
مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
			مدارس ابتدایی خلاق و نوآور
			برنامه ریزی براساس آینده پژوهی
			روش های مطالعه دانش آموزان
			تمرکز دایی سازمانی
			نیازسنجی آموزشی
			سیاست گذاری راهبردی
			برنامه ریزی آموزشی
			حل مشکلات جامعه در زمینه آموزش
			کارآفرینی اجتماعی
			کاربردی سازی آموزش
	محتوای آموزشی		آموزش مهارت های اجتماعی
			آموزش رفتار شهروند حرفه ای
			آموزش مهارت های ده گانه زندگی به دانش آموزان ابتدایی
			آموزش حفظ محیط زیست
	ارتباطات سازمانی		تعامل بین مدرسه و جامعه در بهبود فرآیندهای نوآوری
			تعامل با سازمان ها و نهادها
			تعامل با مراکز علمی و صنعتی
			مهارت های ارتباطی معلمان
			انجمن اولیا و مربیان
			استفاده از رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی
			تعاملات سازنده و الهام بخش بین معلمان و دانش آموزان
			تبادل تجربه و دانش بین مدارس مختلف
			ایجاد شبکه دانش بین مدرسه ای
			تربیت معلم فکور

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه		
	پشتیبانی و منابع	مدیریت منابع انسانی	شایسته گزینی		
			ارزش گذاری دانش و تجربه مدیران و معلمان		
			منزلت نیروی انسانی		
			آموزش مداری در مدیریت منابع انسانی		
			پژوهش محوری نیروی انسانی		
			آموزش و توسعه شغلی و حرفه ای معلمان		
			ارزیابی عملکرد معلمان		
			توانمندسازی منابع انسانی		
			ویژگی های فردی معلمان		
			مدیریت منابع مالی و مادی	مدیریت منابع	سرمایه گذاری در مدیریت دانش و فعالیت های نوآورانه
	بودجه بندی مناسب برای خلاقیت				
	حمایت دولت و وزارت آموزش و پرورش از ایده و نوآوری				
	تصویب مقررات حمایت از مدیریت دانش و نوآوری اجتماعی				
	فضا و تجهیزات کمک آموزشی و اداری				
	چالش های دانش آموزان	چالش های			تطابق با محیط
					مدیریت زمان و برنامه ریزی
					تعامل با دیگر کودکان و معلمان
					مسئولیت پذیری
					فشارهای تحصیلی
			مشکلات فهم و درک آموزشی		
			مشکلات رفتاری و انضباطی		
			مشکلات ارتباطی		
			چالش های اجتماعی	چالش های اجتماعی	شناخت ویژگی های دانش آموزان
					آسیب های اجتماعی
	نابرابری های اجتماعی و اقتصادی				
	نگرش های سنتی جامعه				

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
			کمبود معلمان ماهر و آموزش دیده
			بحران های اجتماعی و روانی

پس از بررسی و تحلیل متون با استفاده از روش تحلیل تم و طی نمودن مراحل شش گانه، تم های فرعی و اصلی مطابق مشتمل بر ۱ مضمون اصلی و ۶ مضمون فراگیر و ۱۵ مضمون سازمان دهنده و ۹۵ مضمون پایه به دست آمد.

در نهایت براساس مقوله های نهایی، مدل پژوهش در شکل زیر ارائه شد.



شکل ۱. طراحی مدل نوآوری اجتماعی بر مبنای مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش

ایران کنترل کیفیت تحلیل کیفی انجام شده (خروجی اطلس تی)

شکل ۱. مدل نوآوری اجتماعی در نظام آموزش و پرورش ایران را نشان می‌دهد که شش مؤلفه اصلی دارد: مدیریت دانش، آموزش نوآورانه اجتماعی، فناوری اطلاعات، تعالی آموزشی، پشتیبانی

منابع، و چالش‌های آموزشی. این مؤلفه‌ها به صورت یکپارچه عمل می‌کنند تا نوآوری اجتماعی در مدارس ابتدایی تحقق یابد.

- مدیریت دانش شامل تولید، ذخیره، اشتراک‌گذاری و به‌کارگیری دانش است و زیرساخت تصمیم‌گیری‌های اجرایی و حل مسائل آموزشی را فراهم می‌کند.
- آموزش نوآورانه اجتماعی بر فرهنگ سازمانی، خلاقیت آموزشی و مدیریت اجرایی تمرکز دارد و مهارت‌های اجتماعی، تفکر خلاق و مشارکت ذینفعان را تقویت می‌کند.
- فناوری اطلاعات با ابزارهای دیجیتال و آموزش مجازی، بستر اشتراک دانش و نوآوری را فراهم می‌آورد.
- تعالی آموزشی شامل استراتژی، محتوا و ارتباطات سازمانی است و به همگامی با استانداردهای جهانی و ارتقای کیفیت یادگیری کمک می‌کند.
- پشتیبانی و منابع شامل مدیریت منابع انسانی و مالی است که اجرای موفق برنامه‌های نوآورانه را تضمین می‌کند.
- چالش‌های آموزشی موانع پیش‌رو را مشخص کرده و مدیریت آن‌ها به پیاده‌سازی موفق مدل کمک می‌کند.

این مدل نشان می‌دهد که نوآوری اجتماعی نتیجه تعامل همزمان میان مدیریت دانش، آموزش نوآورانه، فناوری، منابع و مقابله با چالش‌ها است و چارچوبی عملی و بومی برای بهبود کیفیت آموزش در مدارس ابتدایی ایران ارائه می‌دهد.

بحث

این پژوهش با هدف طراحی مدل نوآوری اجتماعی بر مبنای مدیریت دانش در نظام آموزش و پرورش ایران انجام شد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به صورت اکتشافی و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل مضمون در نرم‌افزار ATLAS TI صورت گرفت. بر اساس نتایج تحلیل، نوآوری اجتماعی در نظام آموزش و پرورش ایران تحت تأثیر سه مؤلفه کلیدی قرار دارد: فرهنگ سازمانی، خلاقیت در فرآیند آموزشی و مدیریت اجرایی. این مؤلفه‌ها با یکدیگر تعامل دارند و از طریق سازوکارهای مدیریت دانش، به تحقق نوآوری اجتماعی کمک می‌کنند.

فرهنگ سازمانی نقش واسطه‌ای میان مدیریت دانش و نوآوری اجتماعی دارد؛ پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ایجاد سازمان یادگیرنده، ترویج نوآوری و تقویت مسئولیت اجتماعی سازمانی، امکان شکل‌گیری نوآوری اجتماعی پایدار را فراهم می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش AlQhtani

(2025) همسو است که نشان داده است محیط سازمانی حمایت کننده از یادگیری و نوآوری، فرآیندهای مدیریت دانش را تقویت کرده و باعث افزایش کارایی آموزشی می شود.

همچنین فرهنگ سازمانی بستری برای شکل گیری نوآوری اجتماعی فراهم می کند. نگرش ها، ارزش ها و هنجارهای سازمانی می توانند جریان نوآوری را تسهیل یا محدود کنند. ایجاد سازمان یادگیرنده و ترویج فرهنگ نوآوری و یادگیری مستمر، زمینه ای برای پذیرش ایده های جدید و استفاده از فناوری های نوین فراهم می آورد (Milley et al., 2020).

این نتایج با پژوهش های بین المللی همخوانی دارد که نشان داده اند محیط سازمانی یادگیرنده و فرهنگ نوآوری، پیش شرط ضروری برای به کارگیری مؤثر مدیریت دانش هستند (Nonaka & Takeuchi, 1995; Cristache et al., 2025).

خلاقیت در فرآیند آموزشی نیز به عنوان سازوکار واسطه عمل می کند. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که نوآوری در برنامه های درسی، روش های تدریس نوین و مشارکت فعال معلمان و دانش آموزان، باعث انتقال دانش به عمل نوآورانه و حل مسئله می شود. یافته ها با مطالعات Romero-Ochoa et al. (2025) همخوانی دارد که نشان داده اند به کارگیری فناوری های نوین و رویکردهای آموزشی مشارکتی، اثر مستقیمی بر ارتقای نوآوری آموزشی دارد. این خلاقیت از طریق ایجاد محیطی دانش محور و همکاری میان معلمان و مدیران، به رشد نوآوری اجتماعی کمک می کند (Skopela et al., 2021).

مدیریت اجرایی به عنوان عامل ثالث، نقش تسهیل گر را ایفا می کند. مدیرانی که تصمیم گیری دانش محور دارند و ساختارهای مشارکتی را ایجاد می کنند، می توانند نوآوری اجتماعی را در مدارس نهادینه کنند. این یافته با نتایج پژوهش Karam-Koleski & Varvakis (2021) مطابقت دارد که تأکید می کند مدیریت دانش و رهبری مشارکتی موجب بهبود پیاده سازی نوآوری می شود. همچنین، مدیریت اجرایی نقش تعیین کننده ای در نهادینه سازی نوآوری اجتماعی دارد. مدیران با اتخاذ رویکردهای دانش محور، تصمیم گیری مشارکتی و بهره گیری از الگوهای موفق، می توانند محیطی انعطاف پذیر و مبتنی بر نوآوری ایجاد کنند (Ziegler et al., 2022). تغییر تفکرات سنتی مدیران و ارتقای مهارت های رهبری نوآورانه، عامل کلیدی در تحقق نوآوری اجتماعی است. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که سازوکار علی به این شکل است: مدیریت دانش → تقویت فرهنگ سازمانی، خلاقیت آموزشی و مدیریت اجرایی → تحقق نوآوری اجتماعی.

سازوکار علی تعامل مدیریت دانش با نوآوری اجتماعی در سه مرحله اصلی رخ می دهد: تولید دانش، ذخیره و اشتراک گذاری دانش و بکارگیری دانش. تولید دانش، از طریق پژوهش، تجربه و روش های خلاقانه تدریس، موجب خلق ایده های نوآورانه می شود. ذخیره و اشتراک گذاری دانش،

با ایجاد بانک‌های اطلاعاتی و مستندسازی تجربیات، از اتلاف دانش جلوگیری کرده و یادگیری سازمانی را تقویت می‌کند. در نهایت، بکارگیری دانش در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی، به تغییر فرایندها و بهبود کیفیت آموزش منجر می‌شود. این یافته‌ها با ادبیات موجود هم‌راستا هستند؛ مطالعات قبلی نشان داده‌اند که مدیریت دانش، نوآوری اجتماعی را تقویت می‌کند و بر فرهنگ و ساختار سازمانی تأثیر مثبت دارد (Skopela et al., 2021; Ziegler et al., 2022).

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت دانش یکی از عوامل کلیدی در توسعه نوآوری اجتماعی در نظام آموزش و پرورش ایران است. فرآیند مدیریت دانش از چهار مرحله اصلی تشکیل می‌شود: تولید، ذخیره، اشتراک‌گذاری و به‌کارگیری دانش. تولید دانش از طریق پژوهش علمی، تجربه عملی و روش‌های خلاقانه تدریس زمینه‌ساز خلق ایده‌های نوآورانه و بهبود فرایندهای آموزشی است. ذخیره دانش، از طریق مستندسازی تجربیات و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، امکان استفاده مجدد و بهینه از دانش تولید شده را فراهم می‌کند. این مرحله موجب کاهش اتلاف دانش و تقویت یادگیری سازمانی می‌شود و با یافته‌های Skopela و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد که نشان دادند سازمان‌هایی که دانش را سیستماتیک ذخیره می‌کنند، نوآوری اجتماعی سازمانی پایدارتری دارند.

اشتراک‌گذاری دانش، با ایجاد بسترهای تعامل میان معلمان، مدیران و دانش‌آموزان، همکاری جمعی و خلاقیت را تقویت می‌کند و مسیر نهادینه‌سازی نوآوری اجتماعی را هموار می‌سازد. در نهایت، به‌کارگیری دانش در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و مدیریتی، سازوکار علی تحقق نوآوری اجتماعی است. این مرحله تضمین می‌کند که دانش تولید شده به صورت عملی در مدرسه اعمال شود و اثرات ملموس بر آموزش، فرهنگ سازمانی و حل مسائل اجتماعی داشته باشد. این یافته با پژوهش‌های Ziegler و همکاران (۲۰۲۲) هم‌خوانی دارد که نشان داده‌اند بهره‌گیری عملی از دانش، باعث تثبیت نوآوری اجتماعی و بهبود عملکرد سازمان‌های آموزشی می‌شود.

به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که نوآوری اجتماعی در نظام آموزش و پرورش ایران نه تنها محصول مدیریت دانش است، بلکه مسیر تحقق آن از طریق سازوکارهای علی مدیریت دانش قابل توضیح است. این بینش به تصمیم‌گیرندگان آموزشی امکان می‌دهد تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی را بر مبنای تقویت فرهنگ یادگیری، حمایت از خلاقیت و مدیریت دانش طراحی کنند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با مطالعات تجربی و تطبیقی اثرگذاری هر یک از مراحل مدیریت دانش بر نوآوری اجتماعی را مورد بررسی قرار دهند و زمینه‌های سیاست‌گذاری هدفمند برای بهبود کیفیت آموزش را شناسایی کنند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی کاربست مدل نوآوری اجتماعی مبتنی بر مدیریت دانش در مقاطع مختلف تحصیلی (دبیرستان و هنرستان) پرداخته و مقایسه‌ای میان نتایج آن با دوره ابتدایی صورت گیرد. همچنین، انجام مطالعات کمی و ترکیبی به منظور آزمون تجربی مدل ارائه‌شده می‌تواند به غنای یافته‌ها و افزایش قابلیت تعمیم نتایج کمک نماید. در این زمینه، سنجش میزان اثرگذاری هر یک از ابعاد مدل بر شاخص‌های عملکرد آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان، می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های هدفمند در آموزش و پرورش باشد. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به نقش فناوری‌های نوین آموزشی و ابزارهای دیجیتال در تقویت مدیریت دانش و تسهیل نوآوری اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

مطالعه تطبیقی میان کشورهای موفق در پیاده‌سازی نوآوری اجتماعی در نظام آموزشی نیز می‌تواند مسیرهای جدیدی برای ارتقاء کیفیت آموزش در ایران فراهم آورد. در نهایت، بررسی چالش‌ها و موانع اجرایی مدل نوآوری اجتماعی در سطح مدارس و ارائه راهکارهای عملی برای رفع آن‌ها، یکی از زمینه‌های ارزشمند برای پژوهش‌های آینده به شمار می‌رود.

محدودیت‌های پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد.

-جمع‌آوری داده‌های معتبر و به روز از مدارس مختلف ایران ممکن است با مشکلاتی همراه باشد. به دلیل پراکندگی مدارس و وجود تفاوت‌های چشمگیر بین مناطق شهری و روستایی، دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد در رابطه با وضعیت مدیریت دانش و نوآوری اجتماعی در مدارس چالش برانگیز خواهد بود.

-انجام پژوهش‌های گسترده در سطح نظام آموزش و پرورش نیاز به زمان زیادی دارد. به ویژه اگر بخواهیم مدل نوآوری اجتماعی را در چندین مدرسه با شرایط مختلف آزمایش کنیم، محدودیت زمانی می‌تواند تأثیر زیادی بر دقت و عمق پژوهش داشته باشد. پژوهش‌های طولانی‌مدت ممکن است نتایج دقیق‌تری ارائه دهند، اما زمان مورد نیاز برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل‌های پیچیده ممکن است محدود باشد.

مشارکت نویسندگان

در پژوهش حاضر نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و نویسنده دوم و سوم، به عنوان اساتید راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. در

مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده چهارم، به عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول و گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت می‌باشد، نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش یاری‌رسان بودند، ابراز می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Ahmadi Babadi, O., Mehralizadeh, Y., Nasiri, M., & Hosseinpour, M. (2024). Identifying the dimensions and components of the knowledge sharing implementation model in educational organizations: A case study of school principals in Ahvaz. *New Approaches in Public Administration*, 1(3), 80–94. [In Persian] doi: [10.71815/jnapa.2024.1183156](https://doi.org/10.71815/jnapa.2024.1183156)
- Aydın, A. (2023). Eğitim Kurumu Yöneticilerinin Yönetmelik Süreçlerindeki Rolünün İncelenmesi. *Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*, 7(28), 156–169. DOI [10.52096/usbd.7.28.11](https://doi.org/10.52096/usbd.7.28.11)
- AlQhtani, F. M. (2025). Knowledge management for research innovation in universities for sustainable development: A qualitative approach. *Sustainability*, 17(6), 2481. <https://doi.org/10.3390/su17062481>
- Barbieri, G., Zapata, F., & Roa De La Torre, J. D. (2025). Transforming Learning Environments: Asset Management, Social Innovation and Design Thinking for Educational Facilities 5.0. *Education Sciences*, 15(8), 967. <https://doi.org/10.3390/educsci15080967>
- Cristache, N., Croitoru, G., & Florea, N. V. (2025). The influence of knowledge management on innovation and organizational performance. *Journal of Innovation & Knowledge*, 10(5), 100793. **Error! Hyperlink reference not valid.**

Dalkir, K. (2005). *Knowledge Management in Theory and Practice*. Butterworth-Heinemann.

[Knowledge Management in Theory and Practice - 1st Edition | Elsevier Shop](#)

Dehshiri Parizi, N.; Hosseini Mirsafi, A.S.; Samii Zafarqandi, M. (2025). Designing and validating the innovation and entrepreneurship model in the management of second-cycle secondary schools. *Sociology of Education*. (in Persian)

<https://www.iase-jrn.ir/index.php/se/article/view/584>

<https://doi.org/10.61838/Soe.11.3.3>

Elia, R. (2023). pentingnya pengelolaan manajemen sumber daya pendidikan untuk peningkatan prestasi siswa di sekolah dasar. *didaktik: jurnal ilmiah pgsd stkip subang*, 9(2), 2668-2679.

DOI: <https://doi.org/10.36989/didaktik.v9i2.999>

Ferrigno, B. A. K. (2023). An Innovative Approach to Knowledge Management: How Scaling Social Emotional Learning Through Technology Led to Systemic Change. In *Cases on Enhancing Business Sustainability Through Knowledge Management Systems* (47-62). IGI Global. [IGI Global - An Innovative Approach to Knowledge Management](#)

Glasserman-Morales, L. D., Alcantar-Nieblas, C., & Nava-Lara, S. (2024). The social innovation profile in students as a transformation strategy: Structural equation modeling. *Frontiers in Education*, 9, 1336576. <https://doi.org/10.3389/feduc.2024.1336576>

Ghasemi, A; Davoudi, A.V; Tabrai, R; Soltanabadi, N. (2025). Research synthesis and qualitative modeling of the antecedents of students' social competence based on empirical evidence. *Sociology of Education*, 11(1), 202–214. (in Persian)

<https://iase-jrn.ir/index.php/se/article/view/530>

Karam-Koleski, A., & Varvakis, G. (2021). Knowledge management to support innovation in higher education institutions: The case of the Brasil-STHEM Consortium. *International Journal for Innovation Education and Research*, 9(6), 254-271. <https://doi.org/10.31686/ijier.vol9.iss6.3173>

Karimi, A and Rahmati, R. (2022). Meta-analysis of citizenship education studies in Iranian education. *Research in Social Studies Education*, 4(2): 129-159. (in Persian)

https://alborzmag.cfu.ac.ir/article_2348.html
[20.1001.1.27832279.1401.4.2.7.5](#)

Koivisto, K., & Taipalus, T. (2023). Pitfalls in Effective Knowledge Management: Insights from an International Information Technology Organization. *arXiv preprint arXiv:2304.07737*.

[Pitfalls in Effective Knowledge Management: Insights from an International Information Technology Organization](#)

- Milley, P., Szijarto, B., & Bennett, K. (2020). *The Landscape of Social Innovation in Canadian Universities: An Empirical Analysis*. *Canadian Journal of Nonprofit and Social Economy Research*, 11(1), 21–41. <https://doi.org/10.29173/cjnser.2020v11n1a325>
- Mohammadpour, A. (2021). *The Z Approach: Philosophical Foundations and Practical Applications in Qualitative Research*. Tehran: Logos Publications.
- Maynard, A., Symonds, J. E., & Blue, T. (2023). *Adolescent social innovation education: A scoping review*. *International Journal of Educational Research*, 119, 102184. <https://doi.org/10.1016/j.ijer.2023.102184>
- Nkambule, B. I. (2023). Organisational Learning and Knowledge Sharing Culture in Township Schools: An Exploration of Effective and Ineffective Practices. *Jurnal Penelitian dan Pengkajian Ilmu Pendidikan: e-Saintika*, 7(1), 60-74. DOI:10.36312/esaintika.v7i1.1123
- Nonaka, I. (1990). *The Theory of Organisational Knowledge Creation*. Nihon Keizai Shimbun.
- Nonaka, I., & Takeuchi, H. (1995). *The Knowledge-Creating Company: How Japanese Companies Create the Dynamics of Innovation*. Oxford University Press.
- Partanen, M., Kettunen, M., & Saarinen, J. (2023). Community inclusion in tourism development: young people's social innovation propositions for advancing sustainable tourism. *Tourism Recreation Research*, 1-16. [372037958_Community_inclusion_in_tourism_development_young_people's_social_innovation_propositions_for_advancing_sustainable_tourism DOI:10.1080/02508281.2023.2226040](https://doi.org/10.1080/02508281.2023.2226040)
- Pouriankhoob, F., Ghadei, S, N. (2024). Innovation in education and its profound impact on social, economic and cultural development. In Seyyed Nemat Ghaderi and Farzaneh Pouriankhoob (editors), *Proceedings of the First International Conference of Top Teachers* (pp. 1–12). Masjed Soliman: Civilika Publications. (in Persian) <https://civilica.com/doc/2164818>
- Romero-Ochoa, M.-A., Romero-González, J.-A., Perez-Soltero, A., Terven, J., García-Ramírez, T., Córdova-Esparza, D.-M., & Espinoza-Zallas, F.-A. (2025). Knowledge management strategies supported by ICT for the improvement of teaching practice: A systematic review. *Information*, 16(5), 414. <https://doi.org/10.3390/info16050414>
- Schröer, A. (2021). Social innovation in education and social service organizations. Challenges, actors, and approaches to foster social innovation. In *Frontiers in Education* (Vol. 5, p. 555624). Frontiers Media SA.

Social Innovation in Education and Social Service Organizations. Challenges, Actors, and Approaches to Foster Social Innovation | Semantic Scholar
DOI:10.3389/feduc.2020.555624

Szulanski, G. (1996). Exploring internal stickiness: Impediments to the transfer of best practice within the firm. *Strategic Management Journal*, 17(S2), 27-43.

Skopela, M., Koulouris, A., & Pappas, N. (2021). Knowledge management and social innovation in schools: A structural model approach. *Education and Information Technologies*, 26, 109-123.
<https://doi.org/10.1007/s10639-020-10345-8>

Taupik, R. P., Rusdinal, R., & Hadiyanto, H. (2023). urgensi peranan kepala sekolah dan guru kelas untuk pelaksanaan manajemen berbasis sekolah (MBS). *Pendas: Jurnal Ilmiah Pendidikan Dasar*, 8(1), 4468-4480.

(PDF) URGENSI PERANAN KEPALA SEKOLAH DAN GURU KELAS UNTUK PELAKSANAAN MANAJEMEN BERBASIS SEKOLAH (MBS) DOI:10.23969/jp.v8i1.7550

Tuamsuk, K. (2024). Knowledge Management Approach in the Non-Profit Sector. In *Encyclopedia of Information Science and Technology, Sixth Edition* (pp. 1-21). IGI Global.

(PDF) Knowledge Management Approach in the Non-Profit Sector
DOI:10.4018/978-1-6684-7366-5.ch006

Valacherry, A. K., & Pakkeerappa, P. (2021). "Exploring the Role of Social Innovation in Cultivating Effective Educational Culture". *Electronic Journal of Knowledge Management*, 19(1), pp76-88.

Veluz, A. O. (2023). Elementary educators' teaching competence and public schools' culture of innovation: basis for developing a learning restoration plan. elementary educators' teaching competence and public schools' culture of innovation: basis for developing a learning restoration plan, 124(1), 15-15.

ELEMENTARY EDUCATORS' TEACHING COMPETENCE AND PUBLIC SCHOOLS CULTURE OF INNOVATION: BASIS FOR DEVELOPING A LEARNING RESTORATION PLAN

DOI:10.47119/IJRP1001241520234943

Ziegler, R., Balzac-Arroyo, J., Hölsgens, R., Holzgreve, S., Lyon, F., Spangenberg, J. H., & Thapa, P. P. (2022). Social innovation for biodiversity: A literature review and research challenges. *Ecological Economics*, 193, 107336.

<https://ideas.repec.org/a/eee/ecolec/v193y2022ics0921800921003955.html>
DOI: 10.1016/j.ecolecon.2021.107336

Zarean, F. (2024). Content analysis of secondary social studies textbooks in terms of attention to the social education goals of the Islamic Republic of

Iran's education system. Research in Social Studies Education, 6(2): 17-34. (in Persian)

[doi: 10.48310/rsse.2024.16193.1200](https://doi.org/10.48310/rsse.2024.16193.1200)

